

## بایرامئز مبارک اولسون، یوز بئله بایراملار گوره سیز، گلن کون لریز خیره قائلن

عید نوروز ایرانیان با برخورداری از يك فرهنگ و تاریخ اصیل از امتیاز خاصی برخوردار بوده و آن را از دیگر اعیاد مربوط به سال نو اقوام و ملل دیگر متمایز ساخته است...



عید نوروز ایرانیان با برخورداری از يك فرهنگ و تاریخ اصیل از امتیاز خاصی برخوردار بوده و آن را از دیگر اعیاد مربوط به سال نو اقوام و ملل دیگر متمایز ساخته است.

گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، در فرهنگ و سنن هر قوم و ملتی، روزهایی وجود دارد که ریشه تاریخی و فرهنگی داشته و جلوه‌ای از باورهای است که حتی با مقدسات دینی و مذهبی آنها پیش رفته و هویت فرهنگی و تاریخی آن جامعه را به نمایش گذاشته است. یکی از این روزها مربوط به سال نو خورشیدی است که یکی از شایع‌ترین آیین‌های جهانی است و کم‌تر تمدنی را خواهیم یافت تا از آن تهی باشد.

هر قومی بر اساس تاریخ، فرهنگ و مذهب خود آغاز سال نو را در قالب برپایی مراسم و جشن‌های ملی و مذهبی پاس می‌دارد. عید نوروز و جشن‌های سال نو ما ایرانیان با برخورداری از يك فرهنگ و تاریخ اصیل و طولانی همچنین مصادف بودن آن با حیات هستی و جان گرفتن مجدد زمین، از امتیاز خاصی برخوردار بوده و آن را از اعیاد مربوط به سال نو اقوام و ملل دیگر متمایز ساخته است.

آیین باستانی عید نوروز فراتر از تجدید خاطره يك تمدن است، حلقه پیوند گذشته و حال و آینده است به این سبب که پس از ظهور اسلام در این سرزمین فضیلت بیشتر می‌یابد و در بزرگداشت آیین و مراسم آن تاکید ورزیده می‌شود.

گفته شده است که آفرینش و هبوط آدم به زمین و همچنین بعثت پیامبر اکرم (ص) و خلافت حضرت علی (ع) نیز در این روز آغاز شد و ایرانیان باستان نیز عقیده داشتند که با حیات طبیعت روح رفتگانشان بازمی‌گردد و چند روزی را در سرای دنیویشان با بستگانشان می‌گذرانند.

مجموعه این عوامل سبب شد که با وجود گذر سالیان بسیار و سیر پرفراز و نشیب تاریخ، نوروز همچنان پایدار و استوار بماند و نه تنها در ایران بلکه هر آنجایی که فرهنگ تمدن کهن ایران اثری دارد و جای جای این کره خاکی حتی يك ایرانی وجود دارد این روز را پاس داشته و این رسم دیرینه را شادمانه جشن گیرند و خداوند متعال را به خاطر نعماتش شکر گویند.

### \* شکل‌گیری چگونگی آذربایجان

تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم ماد در آمیخته است. قوم ماد پس از مهاجرت به ایران، به تدریج قسمت‌های غربی ایران از جمله آذربایجان را تصرف کرد و در آنجا ساکن شد.

بعد از تأسیس دولت ماد، سرزمین آذربایجان به &#171;ماد کوچک&#171; معروف شد، در مقابل &#171;ماد بزرگ&#171; که شامل مناطق همدان و ری و اصفهان بود. به عبارت دیگر &#171;ماد کوچک&#171; ولایاتی را در برمی‌گرفت که در قرون اولیه اسلامی به ناحیه جبال و بعدها به عراق عجم معروف بودند.

بعد از غلبه اسکندر مقدونی بر ایران، سرداری به نام &#171;آتورپات&#171; در آذربایگان ظهور کرد و از اشغال آنجا توسط یونانیان جلوگیری کرد. از آن به بعد این سرزمین به نام آتورپاتگان معروف شد، آتورپات به پادشاهی رسید و آن ناحیه را مستقل اعلام کرد.

در دوره حکومت سلوکی‌ها، ناحیه آتورپاتگان همچنان مستقل ماند و یونانیان و جانشینان اسکندر نتوانستند آداب و رسوم و تمدن خود را در آن محل اشاعه دهند.

آذربایجان در این زمان پناهگاه زرتشتیان و تکیه‌گاهی در مقابل هجوم یونانیان شد.

حکومت جانشینان آتورپات در آذربایجان در زمان اشکانیان نیز ادامه یافت و این منطقه توانست کماکان استقلال خود را حفظ کند. سرانجام اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی بر حکمرانان آذربایجان استیلا یافت و مرزبانی به حکومت آنجا گماشت.

در دوره ساسانی معمولاً یکی از مرزبانان را به حکومت آذربایجان می‌گماردند. از این رو در اواخر این دوره، حکومت آذربایجان در دست خاندان &#171;فرخ هرمزد&#171; بود و پایتخت آن &#171;شیز&#171; نام داشت.

پس از فتح آذربایجان به دست اعراب، قبایل مختلف عرب از بصره، کوفه، شام و یمن برای سکونت به آنجا روی آوردند و با خرید زمین‌های وسیع، کشاورزی را گسترش دادند و افراد بومی را رعیت خود کردند و برای حفظ املاک خود حصارهایی به صورت قلعه دور آنها کشیدند.

سلسله‌های ایرانی بعد از اسلام مانند طاهریان، صفاریان، سامانیان و غزنویان که از شرق ایران برخاستند و حکومت‌های مستقلی تشکیل دادند، هیچ‌گاه نتوانستند قلمرو خود را به آذربایجان برسانند.

از سال 205 هجری (زمان تأسیس حکومت طاهریان) تا سال 429 هجری (یعنی آغاز حکومت سلجوقیان)، حکومت‌های محلی متعددی قدرت را در آذربایجان به دست گرفتند که آخرین آنها &#171;ساجیان&#171; بودند. پس از سقوط آنها

&#171;روادیان&#171; حکومت را به دست گرفتند و مناطق شیروان، شکی، گرجستان و ارمنستان خراجگذار آنها شدند. در آغاز قرن پنجم هجری ترکان غز به فرماندهی سلجوقیان، آذربایجان را به تصرف در آوردند. در سال 531 هجری آذربایجان به دست

#171؛ اتابک شمس الدین ایلدگز؛ افتاد. آنها تا حمله جلال الدین خوارزمشاه (به سال 622 ه.ق) در آذربایجان حکومت کردند.

با حمله مغولان و ورود هلاکوخان در سال 654 هجری قمری آذربایجان مرکز شاهنشاهی بزرگی شد که از خراسان تا شام گسترده بود. پایتخت هلاکوخان ابتدا شهر مراغه بود و سپس به تبریز منتقل شد. به دستور هلاکو در مراغه رصدخانه‌ای ساخته شد. در اطراف خوی بتخانه‌ها و معابدی برپا شد و بناهای غازان در تبریز و جاهای دیگر به وجود آمد.

در زمان غازان خان شهر تبریز بزرگ‌تر شد و به یکی از مراکز مهم دنیای آن روز مبدل شد. تجار روم و فرنگ، کالاهای خود را برای فروش به این شهر می‌آوردند و این امر موجب شد تا بازارهای تبریز به زیبایی و ثروت مشهور شود. وزرای عهد مغول از قبیل #171؛ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ و #171؛ تاج‌الدین علی شاه جیلانی؛ بناهای مهمی در تبریز برپا کردند.

با ضعف ایلخانان مغول، در آذربایجان امرای مستقلی حکومت یافتند. جلایرخان، چوپانیان و ترکمانان در قسمتی از این منطقه به حکومت رسیدند. پایتخت آنان تبریز بود.

پس از بر افتادن حکومت خاندان ترکمانان، قره قویونلوها و آق قویونلوها بر تبریز تسلط یافتند. از بزرگ‌ترین امرای قره قویونلوها می‌توان به جهانشاه اشاره کرد. بناهای عظیمی مانند مسجد کبود به دستور او در تبریز ساخته شد.

تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی به سال 907 هجری، تبریز را برای مدتی پایتخت ایران ساخت و آذربایجان به مرکز بزرگ نظامی تبدیل شد. در زمان صفویه، آذربایجان محل جنگ‌های خونینی میان سپاهیان ایران و عثمانی شد و عثمانیان بارها تبریز را به تصرف خود درآوردند.

بعد از سقوط دولت صفوی در دوره‌ای که ایران عملاً میان روس و عثمانی و اشرف افغان تقسیم شده بود، آذربایجان در دست دولت عثمانی ماند. اما دیری نپایید که نادرشاه آنجا را از تصرف دولت عثمانی بیرون آورد و سپس در دشت مغان تاجگذاری کرد.

کریم خان زند در سال 1175 هجری، آذربایجان را از دست خان‌های محلی که پس از سقوط افشاریه قیام کرده بودند باز پس گرفت؛ اما بعد از مرگ کریم خان دوباره خوانین (خان‌ها) محلی سر بر آوردند، تا این که آقا محمدخان قاجار در سال 1205 هجری موفق شد که اداره‌ی امور آذربایجان را کاملاً در اختیار گیرد.

با روی کار آمدن سلسله قاجار در ایران، پیشروی امپراطوری روسیه به جنوب و تصرف گرجستان عملی شد و ارمنستان، قفقاز، دربند و شروان مورد تهدید قرار گرفتند.

در دوره فتحعلی شاه، قدرت نظامی برتر روسیه تزاری و ضعف تدبیر شاه قاجار موجب آغاز جنگ‌های ایران و روس شد و به رغم شجاعت‌های عباس میرزا ولیعهد که فرماندهی سپاه ایران را به عهده داشت، شکست‌های پیاپی سپاه ایران، موجب تحمیل عهد نامه‌های تلخ گلستان و ترکمانچای شد و بخشی از ایالات آذربایجان به روسیه واگذار شد. در جنگ‌های سال 1243 هجری آریستوف و ژنرال پاسکویچ تبریز را تصرف کردند و سپاه روس قسمت‌های مهم آذربایجان را تصرف کرد. در زمان قاجاریه، به خصوص در زمان سلطنت فتحعلی شاه، آذربایجان به علت جنگ‌های ایران و روس مرکز نظامی کشور و شهر تبریز هم پایتخت دوم ایران شد.

عباس میرزا نایب‌السلطنه و وزیر او میرزا عیسی قائم مقام فراهانی در آبادانی آذربایجان مخصوصاً تبریز کوشیدند، به طوری که جهانگردان اروپایی امنیت و نظم آذربایجان را در دوره عباس میرزا با اروپا مقایسه می‌کردند.

بعد از فتحعلی شاه، شهر تبریز ولیعهد نشین شد و احمد شاه و ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و بالاخره محمدعلی شاه دوران ولایتعهدی خود را در این شهر گذراندند.

در جریان انقلاب مشروطه مردم آذربایجان و سردارانی چون ستارخان و باقرخان نقش بسیار بزرگی در پیروزی آن ایفا کردند ولی با اشغال آذربایجان از طرف روس‌ها، متأسفانه این انقلاب به نتیجه مطلوب نرسید.

با آغاز جنگ جهانی اول آذربایجان مجدداً مورد تهاجم نیروی روسیه و عثمانی قرار گرفت. پس از انقلاب اکتبر روسیه در سال 1917 میلادی، روس‌ها آذربایجان را تخلیه کردند و ترکان عثمانی در تبریز حکومتی دست‌نشانده مستقر کردند. پس از شکست آلمان و متحدش عثمانی، قیام شادروان شیخ محمد خیابانی در تبریز به منظور مخالفت با قرار داد استعماری 1919 میلادی و ثوق الدوله و ایجاد نوعی استقلال داخلی برای آذربایجان شایان توجه است.

رضاخان در سال 1300 شمسی سیطره حکومت مرکزی ایران را بر این منطقه برقرار کرد. با شروع جنگ جهانی دوم در سال 1320 شمسی، نیروهای شوروی وارد ولایات شمالی ایران از جمله آذربایجان شدند. این نیروها در اردیبهشت ماه 1325 شمسی به دنبال طرح مسئله آذربایجان در سازمان ملل متحد، آذربایجان را تخلیه کردند.

مردم آذربایجان دوش به دوش سایر مردم ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت در سال 1329 شمسی مبارزه بی‌امانی را علیه استعمار انگلیس آغاز کردند و سرانجام با پیروزی ملت ایران، سیاست استعماری انگلیس در ایران شکست خورد.

با آغاز انقلاب اسلامی، مردم قهرمان آذربایجان فداکاری‌ها و دل‌آوری‌های بی‌نظیری در راه پیروزی از خود نشان دادند و با رشادت در جنگ تحمیلی، و کوشش در سازندگی، در تکامل دوران تاریخ معاصر ایران حضور مؤثری داشته و دارند.

### \* ارزش برجسته و شاخص نوروز

نوروز ارزش‌ها یا کارکردهای شاخص و برجسته متعددی دارد که می‌توان یکی از آنها را بارزتر از دیگرها به شمار آورد. با وجود این، یکی از عمده‌ترین نقش‌های نوروز ایجاد وحدت و تقویت همبستگی‌ها و یگانگی‌هاست. این ارزش ناشی از دو ویژگی عمده نوروز است، یکی استمرار بدون انقطاع و در نتیجه این استمرار نوروز گسترده‌ترین و کهن‌ترین جشن و آیین مشترک همه

سرزمین‌هایی شد که امروزه کشورهای ایران، افغانستان، پاکستان، بخشی از هندوستان، کشورهای آسیای میانه و قفقاز، مناطق کردنشین ترکیه، عراق و سوریه را در برمی‌گیرد و همچنین است در مورد مردمان بسیار دیگری در سایر نقاط جهان که ریشه و پیشینه مشترکی با حوزه جغرافیایی نوروز دارند.

استمرار ناگسسته و چند هزار ساله نوروز در پهنه وسیع سرزمین‌های یاد شده تعلق همگانی مردمان این مناطق را به نوروز سبب شده و آن را به نقطه اشتراک گروه‌های قومی و اعتقادی گوناگون تبدیل کرده است.

امروزه این نقطه اشتراک در محدوده کشور ایران، یک عامل مهم تحکیم وحدت ملی و در گستره سرزمین‌های حوزه نوروز، عامل همبستگی منطقه‌ای است.

ویژگی دوم که ارزش وفاقی نوروز را موجب می‌شود، خصلت وحدت‌آفرینی یک رسم آن است.

### \* خصلت و کارکرد

وحدت‌آفرینی رسم‌های نوروزی یکی از کارکردهای عمده آیین‌ها، ایجاد وفاق و همبستگی در سطوح مختلف از خانواده تا روستا، محله، شهر و کشور تا حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی فراتر از آن است.

نوروز از جمله آیین‌هایی است که در اجزا و در کلیت خود دارای کارکرد نیرومند وفاقی است و این خصلت را در همه سطوح یاد شده داراست.

باورها و رفتارهای آیینی در سنت‌های نوروزی معمول در گوشه و کنار سرزمین‌های پهنای حوزه نوروز، همه سرشار از عناصری است که مهرآفرین و آشتی‌سازند و نوروز در کلیت خود، پرچم بلند و همبستگی است که در سرآغاز هر سال و هر بهار بر بلندای روابط دیرین سال مردمان این سرزمین‌های برافراشته می‌شود.

ببینیم خصلت وفاقی و وحدت‌آفرینی را با چه مشخصه‌هایی در مراسم نوروزی جستجو کنیم، پاسخ را در نگاه به خود نوروز و توصیف رسم‌های آن می‌جوئیم.

از زبان شاه عباس صفوی نقل کرده‌اند که گفته بود در سال فقط یک شب با خیال راحت [#171&#171;را](#) می‌خورم و آن شب نوروز است که می‌دانم همه مردم کشور همین غذا را می‌خورند.

صرفنظر از درستی یا نادرستی این نقل، آنچه مهم است این است که پادشاه مقتدری مثل شاه عباس برای این که خود را به مردم نزدیک کند به این خصوصیت نوروز تکیه می‌کند و این امر حاکی از این واقعیت است که در شب نوروز در همه خانه‌ها در حد توان اجاق‌ها هم مثل چراغ‌ها روشن است و دل‌ها هم با گرد آمدن افراد خانواده، از گرمای محبت و با هم بودن شاد.

خانواده نخستین هسته اجتماعی است که در شمول کارکرد وفاقی نوروز قرار می‌گیرد. در نوروز همه مردم هر جا باشند به خانه و کاشانه خویش بازمی‌گردند تا در ساعت تحویل سال و صبح نوروز در جمع خانواده و کنار سفره عیدی باشند.

این حضور جمعی خانواده در پی فعالیت یک ماه استقبال از نوروز و تمیز کردن و آماده ساختن خانه و تدارک لوازم عید است و همراه با آدابی است که همه ملزم به رعایت آن هستند.

رعایت این آداب نقشی پویا در انسجام خانواده دارد، برای حضور در کنار سفره عیدی و لحظه تحویل سال که هر دو از بار تقدس برخوردارند، باید پاکیزه بود، باید شست و شو کرد و آراسته به ادب و به آیین باید بر کنار سفره عید نشست.

آیین و آب، چراغ روشن، کتاب و شمایل مقدس و سبزه نورسته و سکوت در انتظار آغاز سال، فضای رازآمیز و روحانی ایجاد می‌کند که برای همیشه در خاطره کودکان تصویر می‌ماندگار و آمیخته با شادی و محبت است و بزرگ‌ترها را به فراموش کردن دل آزرده‌گی‌ها می‌خواند. سپس کلام مبارک باد و شیرینی سفره عید همه را شیرین کام می‌کند و راهی دید و بازدیدهای نوروزی.

### \* فرهنگ عامه مردم آذربایجان

مردم آذربایجان مردمی اصیل هستند، آنها در دوستی ثابت قدم در برابر مشکلات شجاع و مقاوم و به غیرت شهره‌اند. از جمله خصلت‌های این مردم مهمان‌نوازی، سلحشوری، آزادمنشی، راستگویی، مرزداري و پایبندی به اعتقادات مذهبی است.

یکتاپرستی و ایمان به پروردگار در اعماق دل و روح مردم این سامان ریشه دارد و احساسات وطن‌دوستی آنان در تمام ادوار تاریخ ضرب‌المثل بوده است.

قیام‌های مکرر اهالی تبریز در هنگام جنگ‌های عثمانی و دولت استبدادی روسیه تزاری سرشار از فداکاری‌ها و جانبازی‌های شگفت‌انگیزی است که در تاریخ جاودان می‌ماند.

حسینقلی کاتبی در کتاب [#171&#171;آذربایجان و وحدت ملی](#); می‌نویسد: [#171&#171;طرز معاشرت، برخورد اجتماعی، تعارفات، طرز برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی مثل مراسم نوروز و چهارشنبه‌سوری و سیزده به در، عید غدیرخم، میلاد مولی علی \(ع\)، رسوم مهمانی و عروسی، تعزیه و عزاداری و غیره در تمام سرزمین ایران یکسان اجرا می‌شود.](#)

از دیگر ویژگی‌های ایرانی در اخلاق ملی مثل مهمان‌نوازی، ادب، احترام و خوش سلوکی و حسن معاشرت در میان عموم ایرانیان از خراسانی، آذربایجانی، کرمانی، کرد و بلوچ یکسان است.

آیین‌ها و سنت‌های قدیمی هر سرزمین و دیار یادگارهایی گران‌سنگ از گذشته‌های دور مردم آن سرزمین هستند. سنت‌ها و رسم‌هایی که سینه به سینه از دوردست‌های تاریخ به امروز رسیده‌اند و شاید بسیاری از آنها در تاریکی گذر زمان به فراموشی سپرده شده‌اند.

نوروز یکی از ماندگارترین این سنت‌هاست که مانند هزاران سال پیش همچنان پویا و زنده در زندگی ایرانیان متبلور است.

در این بین آذربایجانی‌ها هم نوروز باستان را با ده‌ها رسم و سنت قدیمی‌اش محفوظ نگاه داشته‌اند و هر سال با شکوه‌تر از سال پیش آن‌را برپا می‌دارند.

نوروز بزرگ‌ترین عید مردم آذربایجان محسوب می‌شود و در تمام مناطق این خطه از ایران زمین برگزار می‌شود. آذربایجانی‌ها از این عید با عنوان‌هایی چون «نوروز بایرامی»؛ «171#&»؛ «171#&؛ ایل بایرامی»؛ «راکو» یاد می‌کنند و گاه لفظ بایرام به معنای عید عموماً به این عید بزرگ اختصاص داده می‌شود.

واژگانی چون بایرام آخشامی (عصر عید)، بایرام آیی (ماه عید)، بایرام گونی (روز عید)، بایرام بازاری (بازار عید)، بایرام سفره‌سی (سفره‌ی عید)، بایرام پالتاری (لباس عید)، بایرام یومورتاسی (تخم‌مرغ عید)، بایرام ایش‌لری (کارهای عید)، بایرام‌ئق (عیدی) و ... همه و همه در ارتباط با عید نوروز استعمال می‌شوند.

در گذشته مردم این منطقه از واژه بایرام برای نامگذاری فرزندان خود نیز بهره می‌بردند. ممکن بود کودکی در روز عید نوروز متولد شود و نام‌هایی چون بایرام، بایرام‌علی، بایرام خاتون، نوروز، نوروز علی و ... را به خود گیرد. تبریک‌هایی چون بایرام‌ئز مبارک اولسون (عیدتان مبارک‌باد)، یوز بئله بایراملار گوره سیز (100 سال به از این سال‌ها)، گلن گون لریز خیره قائلن (روزهای آینده‌تان به خیر و نیکی ختم شود)، نئچه بئله ایل لره یئتیشسه سیز (سال‌هایی به همین خوبی در پیش رو داشته باشید) و ... از رایج‌ترین شادباش‌های مردم آذربایجان به مناسبت عید نوروز است.

نوروز مقدمه‌هایی را هم دارد، زنان کدبانوی آذری از چند روز مانده به عید دست به کار می‌شوند و کار خانه‌تکانی را آغاز می‌کنند. شستن فرش‌ها، گردگیری، رنگ کردن خانه و تزیین اتاق مهمان (قوناق اتاقي) از جمله این کارهاست پخت انواع کلوچه‌های سنتی مانند دستانا، نریک، تهیه تخم‌مرغ رنگ‌شده، تهیه سبزه، سمنو و آماده کردن سفره عید از دیگر امور مقدماتی عید نوروز هستند. ایام عید آجیل مخصوص خود را دارد و تبریز و آذربایجان در مرغوبیت و تنوع آجیل زبانزد خاص و عام هستند.

### \* چرشنبه آخشامی

چهار آتش افروزی در چهار چهارشنبه به عدد رمزی چهار اشاره دارد. فیتاغورث عدد چهار را اصل و ریشه طبیعت جاودان می‌داند. چهار طبع انسانی، چهار عنصر حیات، نشان از وجهی مهم و مثبت دارند که اگر چه به تدریج شکل گرفته، اما امر واحدی است.

بنابراین عدد چهار در این آیین، حکایت از چهار وجه طبیعت دارد که به تدریج عنصری واحد یعنی طبیعت، سال، مکان یا هر پدیده چهار وجهی را می‌سازند. به این ترتیب که نخستین چهارشنبه منسوب به باد است و در آن نیز باد می‌آید. دومی خاک، سومی آتش و سرانجام آب که در این زمان از یخ بستن خاک کاسته می‌شود و زمین نفس می‌کشد.

صبح آخرین چهارشنبه سال، مردم بر سر آب رفته و از روی آن می‌پرند و می‌خوانند: آتیل ماتیل چرشنبه (عاطل و باطل شود چهارشنبه) بختیم آجیل چرشنبه (بختم باز شود چهارشنبه)

اگر آب را نماد باروری بدانیم، آخرین چهارشنبه اسفند با باروری طبیعت همراه است. در روستاها معتقدند که چهارشنبه آخر سال، چرشنبه خاتون است. به همین دلیل زنان بالای اجاق خوراک‌پزی با آرد شکل زنی زیبا را می‌کشند و زیر آن یک آینه و شانه می‌گذارند تا وقتی چهارشنبه خاتون آمد سرش را شانه بزند.

چهارشنبه خاتون تأکیدی بر بارور شدن زمین در آخرین روزهای اسفند است. در میان مردم آذربایجان شرقی هر یک از چهارشنبه‌ها نامی دارند. مفصل‌ترین مراسم متعلق به آخرین چهارشنبه سال است که در آن شب حتماً برنج سفید پخته و به همراه آجیل و شیرینی بر سفره می‌گذارند.

### \* شال ساللاماق

«171#&؛ شال ساللاماق»؛ «یا 171#&؛ باجالئق»؛ از جمله سنت‌های قدیمی آذربایجانی‌ها در چهارشنبه‌ی آخر سال محسوب می‌شود.

پسران جوان یا نوجوان شالی برداشته و از سوراخ بالای بام خانه (که عمدتاً برای تعویض هوا و خارج شدن دود تنور تعبیه شده) شال خود را پایین می‌اندازند. صاحبخانه نیز به فراخور حال خود، مقداری آجیل، شیرینی یا تخم‌مرغ در گوشه شال می‌بندد تا پسر آن را بالا بکشد. چنانچه پسر، خواهان دختر خانواده باشد، شال را بالا نمی‌کشد. چنانچه خانواده دختر راضی باشد، نشانه‌ای از دختر را به شال می‌بندند.

هدیه گذاشته شده در داخل شال می‌تواند چیزهای مختلفی باشد که از آن جمله می‌توان به انواع شیرینی و آجیل چهارشنبه سوری و میوه و ... اشاره کرد.

شهریار نیز در اثر ماندگار حیدر بابایه سلام خود به این آیین سنتی اشاره داشته است:

بایرامی دی گنج قوشی اوخوردی  
آداخلي قنر بيك جورابین توخوردی  
هر کس شالئن بیرباجادان سوخوردی  
آی نه گوزل قایدادی شال ساللاماق  
بيك شالئنا بایراملئقئن باغلاماق  
شال ایسته‌دیم منده ائوده آغلادئم

بیرشال آلب تئز بئلیمه باغلا دئم  
غلام گيله قاشدئم شالي ساللا دئم  
فاطمه خالا منه جوراب باغلادي

رسم شال اندازي در بیشتر نقاط آذربایجان رایج بوده و هنوز هم در بعضي از روستاها انجام مي‌شود.  
صبح آخرین چهارشنبه، زنان بر سر رود یا چشمه رفته کوزه‌ها را پر از آب مي‌کنند. آنها خود زودتر از همه از روی آب مي‌پزند، گاه دام‌ها را براي گذشتن از آب به سرچشمه یا رود مي‌برند. از آبی که از آنجا آورده شده براي خمیر کردن، روشن کردن سماور و یا پختن غذا استفاده مي‌شود.

از جمله مراسم ديگري که در این روز معمول است فرستادن خوانچه‌اي از میوه و شیريني براي عروس و خانواده اوست.  
در شب چله نیز خوانچه‌اي نظیر همین فرستاده مي‌شود. خوردن هفت دانه روغني، شیريني یا غله نیز از مراسم رایج مربوط به چهارشنبه‌سوري در آذربایجان شرقي است. درست کردن هفت نوع خوراكي شیرين (هفت لون) در این روز معمول است.  
در بعضي نقاط، شیريني گلایبه، گردو، بادام، پسته، میوه، سیب، پرتقال، نخود و کشمش ترکیب هفت لون را تشکیل مي‌دهد. دو رسم جالب در آخرین چهارشنبه سال در آذربایجان شرقي دیده شده که حاوي نکات رمزي و نمادين بسیار است.  
در روستاي قوریجان، زنان داخل پوست گردو، شمع روشني مي‌گذارند و آن را روی آب به صورت شناور رها مي‌دهند، در همان حال پسراني که نیت کرده‌اند صبح زود در آب شنا مي‌کنند.  
دومین رسم به عشایر کلیر برمي‌گردد، آنها در چهارشنبه‌سوري، صبح زود در دو نقطه مقابل یکدیگر با فاصله‌اي نه چندان زیاد از هم آتش بزرگي برمي‌افروزند و دامپایشان را از میان دو آتش عبور مي‌دهند، پس از آن از آبی که از نهر آورده‌اند به حیوان‌ها می‌دهند.

### \* سایاچي‌ها

سایاچي‌ها با قلب‌هاي ملامال از آرزوهاي خوش و دعاهاي خير، روزشمار پايان سال را با شعر و ترانه زمزمه مي‌کنند و خير و برکت سال آینده را از درگاه بی‌همتاي بخشنده طلب مي‌کنند.

مراسم سنتي سايا از جمله زیباترین رسم‌هاي مردمان خطه آذربایجان به مناسبت روزهاي پاياني سال و آغاز سال نو است که از چند ده روز مانده به عید نوروز در شهرها و روستاهي مختلف آذربایجان برگزار مي‌شود، برپاکننده این مراسم شخصي به نام سایاچي است.  
وي در روزهاي پاياني هر سال خانه به خانه مي‌گردد و با خواندن شعرهاي مخصوص براي اهالي هر خانه، سالي پربرکت را آرزو مي‌کند. او همچنین روزهاي مانده به عید را شمارش مي‌کند و به این دلیل مي‌توان گفت به احتمال زیاد، واژه سايا از مصدر ترکی سايماق به معنای شمردن گرفته شده است.

سایاچي‌ها در مقابل دعاهاي خير و شعرهاي دوست‌داشتني خود از صاحب‌خانه‌ها هدیه و انعامي را دریافت مي‌کنند. این هدیه ممکن است گندم، جو، شیريني و آجیل باشد یا مبلغی پول به سایاچي هدیه داده شود.

سایاچي در شعرهاي خود براي کسانی که با میل و رغبت و گشاده‌دستي به او هدیه و انعام داده‌اند، آرزوي تولد فرزند پسر در سال آینده را مي‌کند و براي آن‌هايي که هدیه‌اي اندک و کم‌ارزش داده‌اند، دختردار شدن را مي‌طلبد.

وصف حال احشام و گوسفندان از دیگر نکته‌هاي جالب توجه شعرهاي سايا است مثل اینکه، سايا گلدی، گوردوزمي؟ سلامني، آلدئزمي؟ آنني قاشقا کوچ قوزوني ساياچي‌يا، وئرديزمي؟ ترجمه (سایا آمده او را دیدید؟ جواب سلام او را دادید؟ بره پیشانی قشقا را به ساياچي دادید؟)

بوسایا کیمدن قالب؟ حضرت آدم دن قالب حضرت آدم گلنده دونيا بونید اولاندا موسي چوپان اولاندا قئرمزي بوغدا بیننده شیشلیگیمیز اویشدي (این سايا از که به یادگار مانده است؟ از حضرت آدم (ع) بر جاي مانده است در زمان آمدن حضرت آدم (ع) و زماني که بنياد دنيا نهاد شد و زماني که حضرت موسي (ع) چوپان بود و زماني که گندم سرخ‌رنگ بر کشتزارها مي‌روبيد کباب روي سيخمان بره سه ساله است.)

بو سايا یاخجي سايا هم چشمه یه، هم چایا هم الودوزا، هم آیا هم یوخسولا هم وارا (این سايا، ساياي خوبی بشود هم براي چشمه هم براي رود هم براي ستاره و هم براي ماه هم براي فقير و هم براي غني)

جانئم آلا باش قویون قارلي داغلار آش قویون یاغئندان پیلو اولار قورو دوندان آش قویون (اي جان من گوسفند آلا باش از کوه‌هاي پوشیده از برف بالا برو از روغن تو پلو به عمل مي‌آید و از کشك تو آش طبخ مي‌شود)

جانئم بوشیشك قویون یوني بیر دوشك قویون بولاماني بول ايله قئرئلدی اوشاق قویون (اي جان من، بره دو ساله که به اندازه پشم يك تشك پشم‌داری آغوزت را فراوان کن که بچه‌هايم تلف شدند)

جانئم بوز آلا قویون ایه ن سنين ساياندان اوغلونا قئر آلا قویون (اي جان من گوسفند بوز آلا که در راه بی‌حال مي‌شوي صحبت در سایه تو براي پسرش زن اختیار کند)

### \* تکم‌گردان‌ها

تکم‌گردان‌هاي آذربایجان در آستانه عید نوروز باستانی، با عروسک‌هاي بز، #171&#171; تکه؛ و ماجراهاي شیرینش به استقبال بهار طبیعت و سال نو مي‌روند.

تکم‌گرداني یکی از آیین‌ها و سنت‌هاي رایج در آذربایجان در آستانه عید نوروز و سال نو خورشیدی است.

#171&#171; تکه؛ یا #171&#171; تکم؛ و ازهاي ترکی به معنای بز نر است و برگزارکننده این مراسم در حالی که عروسکي به

شکل بز نر را در دست دارد و سر این بز را به این سو و آن سو تکان می‌دهد، شعرهایی شنیدنی درباره تکه و ماجراهایی او را می‌خواند. تکم‌گردان در هر کوی و برزنی حاضر می‌شود و از مردم در قبال خواندن شعرهایش و بازی دادن #171&#171; تکه؛ عروسکی‌اش هدیه و انعام می‌ستاند.

تکم‌گردان‌ها این گونه آواز سر می‌دهند، بو تکه او یون ائدر قوردونان قول بویون ائدر یئغار ایرانئن دویوسون چه پیشینین تویون ائدر (این بز نر بازی می‌کند. با گرگ همراهی می‌کند و دست برگردن او می‌اندازد. محصول برنج کل ایران را جمع‌آوری می‌کند و برای بزغاله‌اش جشن عروسی به پا می‌کند)

بو تکه آختانه بویونوندا وار نوختا تکه گاه قول اولار ساتتلاز گاهدا چئخار تاختاتکه (این بز نر، بز نر اخته که طنابی بر گردنش بسته شده است گاه غلام و برده می‌شود و به فروش می‌رسد و گاه پادشاه می‌شود و بر تخت سلطنت تکیه می‌دهد).

### \* بايراملئق

آغاز سال نو خورشیدی و فرارسیدن عید نوروز فرصتی است برای احیای بسیاری از سنت‌های قدیمی که از آن جمله می‌توان به دادن بايراملئق (عیدی) و ایل سیکه سی (سکه سال) اشاره داشت.

بايراملئق یا عیدی هدیه‌ای است که افراد به مناسبت فرا رسیدن عید به همدیگر می‌دهند و معمولا این هدیه از طرف بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها داده می‌شود.

در آذربایجان این هدیه می‌تواند یک تخم مرغ رنگ شده عید باشد یا یک لباس و یا یک اسکناس تازه تا نخورده.

اسکناس نو و یا پول متداول‌ترین نوع بايراملئق است که افراد به همدیگر می‌دهند. در برخی خانواده‌ها پدر اسکناس‌های نوبی را در میان صفحات قرآن کریم نگهداری می‌کند و بعد از لحظه تحویل سال نو به اعضای خانواده هدیه می‌دهد.

دادن عیدی به تازه عروس‌ها و تازه دامادها و نامزدهای جوان از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اما دادن #171&#171; ایل سیکه سی؛ یا #171&#171; سکه سال؛ رسم دیگری است که در نزد مردم دیار آذربایجان به مناسبت عید نوروز متداول است. معمولا برخی افراد که به داشتن دستی با برکت و یا به اصطلاح آذری‌ها دستی سبک مشهورند با آغاز سال نو به دوستان و آشنایان #171&#171; ایل سیکه سی؛ می‌دهند تا با دریافت نخستین پول سال از چنین دست مبارکی سالی پر رونق و خوب از لحاظ اقتصادی داشته باشند.

فردی که #171&#171; ایل سیکه سی؛ می‌دهد ممکن است پیرمردی 80 ساله باشد و یا کودکی هفت ساله هیچ تفاوتی ندارد، بلکه ملاک برکت دست است و بس

### \* طبخ انواع غذاها و خوراکی‌های خوشمزه آذربایجانی‌ها

طبخ انواع غذاها و خوراکی‌های خوشمزه آذربایجانی‌ها از جمله اقوام ایرانی هستند که در طبخ انواع غذاها و خوراک‌های خوشمزه مهارت ویژه‌ای دارند و غذاهای سنتی این خطه شهره خاص و عام است.

در این بین آشپزی تبریزی‌ها چیز دیگری است و گفته می‌شود که خوشمزه‌ترین غذاها و شیرینی‌های ایران در تبریز پخته می‌شود.

برخی از غذاهای سنتی علاوه بر طبخ در طول سال در روزهای به خصوصی نیز معمولا پخته می‌شوند و مردم آذربایجان و تبریز طبق سنت‌های قدیمی خود در ایام خاص سال غذاهای سنتی مخصوص آن ایام را آماده می‌کنند.

در این بین نوروز در آغازین روزش و در آخرین روز خود غذاهای ویژه‌ای را دارد. تبریزی‌ها و مردم برخی دیگر از نقاط آذربایجان اعتقاد دارند که پخت دلمه برگ مو #171&#171; پریاق دولماسی؛ در زمان تحویل سال نو خوش یمن و مبارک است و حتما باید در آن لحظه در قابلمه‌هایشان دلمه بپزد و عطر این غذای خوشمزه سنتی فضای خانه را پر کند. چرا که دلمه نمادی از صمیمیت و دورهم بودن است.

همچنان که در داخل یک برگ مو اجزای متعددی چون برنج، لپه، بلغور و انواع سبزیجات جمع می‌شوند و خوراک دلمه را پدید می‌آورند به این صورت نیز افراد خانواده در کنار همدیگر جمع شوند و کانون خانواده گرم‌تر از همیشه می‌شود، برای تهیه دلمه برگ مو کدبانوهای آذری از چند روز قبل از شروع عید نوروز وارد عمل می‌شوند نخستین کار در این راستا تهیه برگ مو است که معمولا در شور آب نگهداری می‌شود.

مغازه‌داران و دستفروشان نیز با نزدیکی به روزهای پایان سال به فروش برگ مو می‌پردازند. دیگر غذای سنتی نوروز تبریزی‌ها کوفته تبریزی است که در سیزده فروردین و روز سیزده بدر تهیه می‌شود و خانواده‌ها بعد از سپری کردن ساعات اولیه روز به گردش و تفریح دردل طبیعت بر سر سفره‌ای می‌نشینند که کوفته خوشمزه تبریزی زینت بخش آن است.

وصف بهار و آیین‌های نوروزی در شعر استاد شهریار

گویند که خدای تعالی در نوروز، عالم را آفرید و آن روز اول فروردین ماه است که رسیدن آفتاب به برج حمل است و ابتدای بهار، اما چند روز قبل از نوروز #171&#171; نوروز گولو؛ (= گل نوروز) سبز می‌شود و گل می‌دهد، یعنی قبل از پیدایش عالم، گلی زیبا با برگ‌هایی نرم و ضخیم که گل‌های خوشه‌ای آن در اوایل بهار و در انتهای ساقه ظاهر می‌شود.

نوروز گولو نویدبخش بهار

گل نوروز، هنگامی که زمستان و سرما حکم فرمایی می‌کند، از زیر برف و غالبا از شکاف سنگ‌ها سر بر می‌آورد و نوید بخش فصلی نو و زندگی جدیدی است، گلی که از لابه لای سختی سنگ و در سرمای زمستان می‌شکفت و نوید بهار را می‌دهد تا با وزیدن نسیم بهاری و فرارسیدن ابرهای سفید به یاد یکدیگر بیفتیم و لحظاتی به فکر هم و ایجاد تغییر، تحول و دگرگونی باشیم. شهریار ملک سخن، در

منظومه جهانی حیدرآبادیاسلام، وقتی سخن از خاطرات دوران کودکی خود دارد، به سرسبزی حیرت انگیز نشیب‌ها و دره‌های روستای خود اشاره می‌کند و توصیفی زیبا از این گل به دست می‌دهد:

بایرام یئلی چارداخلاری بیخاندا،  
نوروز گولو، قارچیچگی بیخاندا،  
آغ بولوتلار کوینکلرین سیخاندا  
بیزدن ده بیر یاد ائله ین ساغ اولسون  
دردلریمیز، قوی دیککه لسین داغ اولسون  
ترجمه:

بهاران که فرو ریزد کومه‌ها  
گل‌های نوروزی شود شکوفا  
ابرها هم طوفان نماید بیا  
زنده باشد هر که کند یاد ما  
کوه غمی شد دل ناشاد ما

در این میان، گل نوروز (نوروز گولو) تنها نیست و گل برف یا &#171;قارچیچگی&#171; نیز با او می‌روید، سبز می‌شود و گل می‌دهد، اولی به رنگ بنفش و به سیمای عروسی است شرمگین و دومی به رنگ سفید و به سیمای عاشقی است شنگول و چه زیبا شاعر شهیر تبریزی فرارسیدن نوروز را آورنده عشق دانسته است، عشقی که در آن عاشق و معشوق در فصل سرما، در انبوه برف و از میان تخته سنگ‌های سخت به گرما و حرارت عشق، به بی‌نهایت می‌رسند، دل شیفته یکدیگر می‌شوند و می‌رویند، گل می‌دهند، طبیعت را باز می‌آفرینند و دنیا را از عالم خمودگی می‌رهانند، عشق می‌بخشند و تا ۶۰ روز نظاره‌گر یکدیگر شده و با هم می‌خشکند.

استاد محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار) اثر معروف &#171;حیدرآبادیاسلام&#171; را که به نوعی به وصف خواسته‌ها، آرزوها، دردها و غم‌ها، خوشی‌ها و لذت‌ها، آداب و رسوم زندگی مردم آذربایجان می‌پردازد، با گل نوروز و گل برف آغاز می‌کند. او از سومین بند &#171;حیدرآبادیاسلام&#171; ابتدا فرا رسیدن فصل بهار را نوید می‌دهد و آن را فصل زیبایی‌ها، عشق و عاشقی‌ها، آغاز حیات اجتماعی دوباره در جامعه و کار دسته جمعی در بیرون از خانه و در مزرعه و باغ و بوستان می‌داند. او روزهای خوش بهاری را همانند حسرتی که پس از سپری شدن آن همواره در دل آدمی باقی می‌ماند و یاد آن همواره خوشایند است، دانسته و سخن از دهکده‌هایی که باغچه‌ها و کوهسار زیبایی دارند و در آن سیبی که نیمی از آن سرخ و نیمی زرد است و &#171;عاشیق آلماسی&#171; (سیب عاشق) نامیده می‌شود، می‌روید، آورده است که هم اکنون دیگر در رویاها باید دنبال آن بود:

&#171;شنگیل آوا&#171; یوردو، عاشیق آلماسی

گاهدان گئدیب، اوردا قوناق قالماسی

داش آنماسی، آلما، هئیوا سالماسی

قالیب شیرین یوخو کیمی یادیمدا

اثر قویوب روحومدا، هر زادیمدا.

ترجمه:

روزهای سفر به شنگل‌آباد

سیب زدن، به سنگ و داد و بیداد

دویدن‌ها سوی خانه، همچو باد

کنون دیگر به رؤیایی بماند

در هستی‌ام رگ و ریشه دواند

او گل نوروز، گل برف و سیب عاشق را سمبل عاشقی و دو نگیں &#171;متغیراللون&#171; می‌داند که در یک خانه انگشتری قرار گرفته باشد. وزن هجایی و حفظ آهنگ طبیعی کلام از خصوصیات بارز اشعار فولکلوریک آذربایجان است که به زیبایی در شعر شهریار دیده می‌شود. اما اهمیت شعر شهریار، تنها در آن نیست که با هنرآفرینی خویش، شعری زیبا و ماندگار از لحاظ زیباشناختی آفریده باشد، بلکه در این است که برای نخستین بار، در سی و هشت سال پیش حیات و کار و تلاش روستا و زندگی سخت و دشوار مناطق محروم را شاعرانه مورد توجه قرار داده است. به دیگر سخن، ارزش والای اثر شهریار تنها در &#171;زیبایی&#171; آن نیست، بلکه در &#171;حقیقت&#171; آن است.

جای دارد تا ذکر شود که عید نوروز در اصل یکی از اعیاد ساکنان فلات ایران است که در دوره پارینه سنگی و نوسنگی پیدایی یافته و در دوره‌های کشاورزی به رسایی رسیده است و نخست در میان ترکان و سپس به پیروی از آنان در بین دیگر اقوام رایج شده است و در مقابل جشن اول پاییز، که جشن خرمن کوبی و برداشت محصول به حساب می‌آید، به مثابه عید آغاز بهار و نوزایی طبیعت و آغاز کشت و ورز میان کشاورزان ساکن این فلات از سواحل رود سند تا آسیای صغیر باشکوه برگزار می‌شده است.

این عید پس از اسلام در میان مسلمین نیز رواج یافت و حتی از سوی ائمه هدی (ع) درباره تشریح و آموزش آن حدیث‌هایی نقل شده است. ملا محسن فیض کاشانی معروف به فیض کاشفی (متوفی ۱۰۹۱ هجری) از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که &#171;معلی بن خنس روایت می‌کند که گفتم ای سید من، فدای تو شوم، آیا نمی‌آموزی به من نام روزها را به زبان پارسیان؟ جواب فرمود که آنها روزی چند از ماه‌های قدیمند که هر ماهی سی روز است روزهای شش ماهه اول سال ۳۱ روز است و اسفند ماه اکثراً ۲۹

روز. پس روز اول از ماه مبارك است و در این روز آدم (ع) آفریده شده و روز سرور و خرمی است و روز نو است و این روز برای آشامیدن مفرحات و خوشحالی کردن خوب است.

شاعر ملی ایران، با یادآوری لحظات شیرین و تکرار نشدنی روزهای بهار، آنها را همانند &#171;قورو گؤل&#171;(دریاچه ای در نزدیکی تبریز) می‌داند که در بهار با تجمع غازها و روستائیان در کنار آن، منظره‌ای زیبا و دلپذیر به خود می‌گیرد، اما با فرارسیدن تابستان دیگر خبری از آن مناظر، جنب و جوش و رقص و آواز غازها نیست، او خاطرات فصل بهار را همانند پرده سینمایی که همواره در مقابل چشمان او زنده است، می‌داند:

حیدربابا، &#171;قورو گؤلون&#171; قازلاری  
گدیکلرین، سزاق چالان سازلاری  
کت - کؤوشه نین پاییزلاری، یازلاری  
بیر سینما پرده سی دیر گؤزومده  
تک اوتوروب سیر ائده رم اؤزومده .  
ترجمه:

&#171;قورو گؤل&#171;، غازهای خرامان  
به گردنه نوای سوز، پیچان  
جلوه پائیز ده و بهاران  
پرده سینمایی در نظر  
می‌بردم در خود به سیر و سفر.

او سال نو را آغاز مجدد کار، جنب و جوش و آماده شدن برای زندگی جدید می‌داند و به سنت‌های پسندیده عید نوروز در بین مردم آذربایجان اشاره می‌کند:

بایرام اولوب، قیزیل پالچیق ازه رلر  
ناقیش ووروب، اوطاقلاری بزه رلر  
طاغچالارا دوزمه لری دوزه رلر  
قیز - گلینین فیندیقچاسی، حناسی  
هوه سله نر آناسی، قایناناسی.  
ترجمه:

عیدگاهان گل قرمز بسازند  
پر از نقش و نگارشان نمایند  
شیوه های مراسم را بدانند  
دخترک و فندقچه و حنایش  
غرق شادی اقربا و کسانش.

سلطان عشق ایران با هنر کم نظیر شاعری خود به وصف آداب و رسوم مردم آذربایجان که مراسم عید نوروز از میان آنها به منصف ظهور رسیده است، می‌پردازد. شهریار در منظومه خود با استادی در کلام و تشبیهات شعری به آداب و رسوم صبح روز چهارشنبه سوری که در آن روز مردم آذربایجان از روی آب می‌پزند، نیت می‌کنند و خواسته‌های خود را به زبان می‌آورند تا در سال نو برای آنها برآورده شود، می‌پردازد:

باکیچی نین سؤزو، سووو، کاغیذی  
اینک لرین بولاماسی، آغیزی،  
چرشنه نین گیرده کانی، مویزی  
قیزلار دئیر: &#171;آتیل ماتیل چرشنه،  
آینا تکین بختیم آچیل چرشنه!&#171;.  
ترجمه:

نامه‌های رسیده از عزیزان  
خوانده می‌شد وسیله نامه‌خوان  
مراسم چارشنه، دختران  
چه خوش گویند: &#171;بیر، واپر چارشنه&#171;  
&#171;سیاهی از بختم بدر چارشنه&#171;.

توجه به آداب و رسوم بومی و فولکلور آذربایجان از ویژگی‌های اساسی شعر شهریار به شمار می‌رود، ذکر صحنه‌های جالبی از مراسم چهارشنبه سوری و آداب عید نوروز در تبریز و سوی‌های آن، جانمایه منظومه حیدربابا را تشکیل می‌دهد، به عنوان نمونه مراسم شال سالاماق (آویزان کردن شال) از آدابی است که توجه شهریار را به خود جلب کرده است:

بایرامیدی، گئجه قوشی اوخوردی  
آداخلي قیز، بیگ جورابین توخوردی



هر کس شالین بیر باجادی سوخوردی  
آی نه گۆزل قایدادی شال ساللاماق  
بیگ شالینا بایراملیغین باغلاماق .  
ترجمه:

عید بود و نوای مرغ شب بود  
دختر نامزد بتاب و تب بود  
مراسم شال و چه خوش ادب بود  
رسم قشنگی است که گشته بنیاد  
بستن عیدیانه به شال داماد.

این رسم بدان گونه است که در خانه های روستایی وسط سقف خانه روزنه‌ای کار می‌گذارند که غرض اصلی تهویه و بیرون کردن دود تنور است، ولی ضمناً کارهای دیگری هم با آن روزنه امکانپذیر است، از جمله یکی موضوع نامزد بازی است با کیفیت مخصوص خود، شهریار در قطعه شعر &#171;نامزد بازی دهقان&#171; آن را شرح داده است و دیگر در شب‌های عید نوروز موضوع &#171;شال آویزان کردن&#171; است، به این ترتیب که از شب چهارشنبه سوری به بعد اشخاص ناشناس به پشت بام خانه‌ها رفته و شال‌های رنگین خود را آویزان می‌کنند. یعنی که عیدی می‌خواهم، صاحبخانه باید نسبت به فراست خود حدس بزند که این ناشناس کیست و چیزی به فراخور حال خود و متناسب با او به رسم عیدی به سر شال او ببندد، در آن زمان بیشتر عیدی‌ها، جوراب‌های پشمی گلدار و دستمال‌های ابریشم، سازدهنی بچه‌ها، جوجه مرغ‌های زیبا، تخم مرغ‌های رنگی، آجیلی و شیرینی و از این قبیل بود. این موضوع بیشتر برای تشویق بچه‌ها مخصوصاً دلنوازی کودکان فقیر و در عین حال یکی از مراسم باشکوه و مفرح ایام عید بود. شهریار نه تنها در منظومه معروف و جهانی &#171;حیدربابایا سلام&#171;، بلکه در دیوان فارسی خود نیز بارها از جشن نوروز و مراسم و آداب آن سخن گفته است، نگاهی گذرا به گزینه‌ای از ادبیات فارسی، اهمیت توجه شاعر ملی ایران به آداب و رسوم بومی ما و سخن گفتن از هزاران روستا یا آبادی با مردمی ساده و سختکوش با حیاتی سراسر تلاش و زحمت طاقت فرسا را نشان می‌دهد:

کاوه نوروز  
تنور لاله افروزد نهیب باد نوروزی  
بیا کز شعله آهه تنور سینه افروزی  
برآمده چیره بر ضحاک بهمن کاوه نوروز  
بدوش از سرو و شمشادش درفش فتح و فیروزی  
درخت گل بگلشن دختری گلدوز را ماند  
چمن خود از گل و بوته نگارین کار گلدوزی  
بهاری بی وفاداری بخود چندین مناز ای گل  
که تا یک هفته تاراج است تاج میر نوروزی  
جشن نوروز  
جشن نوروز از ره آمد شاد  
با گل و سرو و لاله و شمشاد  
دارد از باستان پیامی خوش  
پیک جمشید و بهمن است و قباد...

سرود ساربان  
بهار آمد که بازم گل به باغ و بوستان خواند  
به گوشم ناله بلبل هزاران داستان خواند  
قفس بگشا و پروازی ده این بد طوطی خاموش  
که گلبنگ هم آوازش سوی هندوستان خواند  
به مرغان بهاری گو که این مرغ خزان دیده  
دگر سازش غم انگیز است و آواز خزان خواند  
دل وامانده ام، بس همهرانش کاروانی شد  
اگر خواند بد آهنگ و درای کاروان خواند  
مگر پروانه مطرح بوده و شبهای افسانه  
که شمع داستان ما را به جمع دوستان خواند...

آری، شهریار عاشق بود، عاشق زیبایی، دگرگونی، تحول، زندگی نو و حیات مجدد، او تازگی را می‌پرستید، او زبان مادری خود را زبان احساس خود می‌دانست، زبانی که می‌تواند زلال‌ترین مکنونات قلبی شاعر را بیان کند و غنای فرهنگی و ادبی آن، سبب خلق شاهکار جهانی &#171;حیدربابایا سلام&#171; شد، هر چند که زبان ترکی آذری، زبان احساس و زندگی او در موطن بود؛ معهذاً زبان فارسی، برای او زبان دیگری بود که شهریار با دست یازیدن به آن زوایای پنهان و پرمز و راز احساس خود را بیان می‌کند، بی‌خبر از آنکه شاید شکوفه نشکفته بهاری‌اش در تهاجم بی‌امان باد پاییزی به تاراج رفته و او هیچگاه بوی جنازه عشق را نیازماید و شاید نمی‌دانست که

در ضل آفتاب سرمستی، قامت بلند غرور او در هلهله بادهای هرز و نافذ خمیده می‌شود.  
اما شاعر ملی ایران همچنان می‌سراید و غم دل را با غنای اندیشه و زمینه بکر و گسترده تخیلش تسکین می‌دهد و خواننده آثارش را  
به دنیایی می‌برد که ماورای دنیای محسوس و زمینی است.  
=====

گزارش: مریم عباسی و وحید زینالی- خبرنگار فارس در تبریز